

به سوی علفزار بلند
Into the Uncut Grass

ترور نوآ
Trevor Noah

www.ketab.ir

سینا عسکری

نشر نارنگی

سرشناسه : نوآ، ترور، Noah, Trevor ۱۹۸۴-۲۰۰۶

عنوان و نام پدیدآور: به سوی علفزار بلند/ ترور نوآ؛ مترجم سینا عسکری؛ ویراستاری زهرا پایداری.

مشخصات نشر : تهران: انتشارات نارنگی، ۱۴۰۴.

مشخصات ظاهری : ۹۰ ص: مصور رنگی؛ ۵/۸×۵/۲۱ س.م.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۹۸۶۳۴۴

یادداشت : عنوان اصلی: Into the Uncut Grass, ۲۰۲۴ مخاطب: +۱۰

موضوع : کودکان--راه و رسم زندگی--داستان Children--Conduct of life--Fiction

نافرمانی و مقابله جویی در کودکان--داستان oppositional defiant disorder in children--Fiction

تصمیم گیری--داستان Decision making--Fiction کودکان و بزرگسالان--داستان

Children and adults--Fiction تخیل در کودکان--داستان Imagination in children--Fiction

شناسه افزوده : عسکری، سینا، ۱۳۷۵- مترجم

رده بندی دیویی : ۷۳۰/۲۳۱

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۰۰۴۲۳۷



مارا در فضای مجازی دنبال کنید

نشر نارنگی

به سوی علفزار بلند

نویسنده : ترور نوآ

مترجم : سینا عسکری

ویراستاری : زهرا پایداری

طراح جلد : حسین فلاح

نوبت چاپ : اول ۱۴۰۴

شمارگان : ۱۰۰ نسخه (رقعی)

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۴۹۸۶-۳۴-۴

تلفن : ۰۲۱ - ۶۶۴۱۰۴۱۰

قیمت : ۱۱۰,۰۰۰ تومان

نشر نارنگی از برجسب یا لیبیل برای تغییر قیمت استفاده نمی کند

مرام نامه اخلاقی

همراهان عزیز، نشر نارنگی این کتاب را از نظر کیفیت چاپ و ترجمه ضمانت می‌کند چرا که با گذراندن کتاب از فیلترهای مختلف تمام تلاش خود را انجام داده تا حتی یک غلط کوچک در کتاب وجود نداشته باشد. اگر در کتاب ایرادی از نظر نگارشی، املائی، چاپ و یا ترجمه و فونت وجود دارد خوشحال خواهیم شد با شماره ۰۹۱۰۰۶۲۳۰۳۰ (واتس اپ-تلگرام-اس ام اس-بله-روبیکا-ایتا) در میان بگذارید. اگر این ایراد بر ما وارد باشد یک جلد کتاب به شما هدیه داده می‌شود. این توجه شما باعث می‌شود کسانی که در چاپ‌های بعدی این کتاب را مطالعه می‌کنند لذت بیشتری ببرند.

از مساعدت، عنایت، الطاف و محبت شما کمال تشکر را داریم.

نشر نارنگی به دلایل زیر این کتاب را با کاغذ بالک چاپ کرده است؛

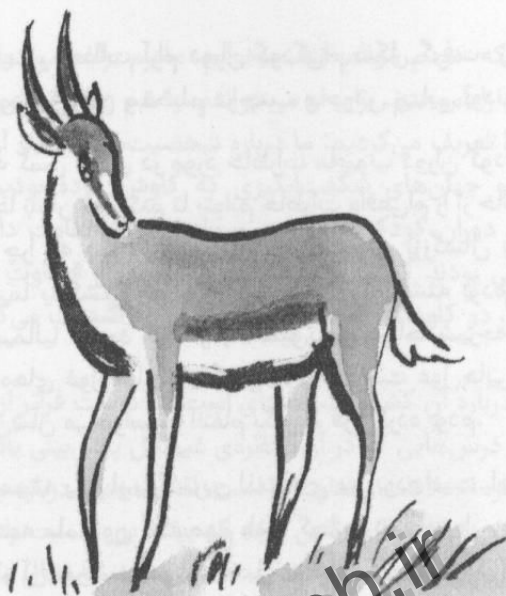
۱. کاغذ بالک از کاغذ تحریر (سفید) سبکتر است و برای خواننده راحت‌تر خواهد بود.
۲. نور را منعکس نمی‌کند و در مطالعه طولانی مدت، آسیمی به چشم‌ها نمی‌زند.
۳. در تهیه آن از مواد شیمیایی استفاده نشده و رنگ طبیعی طوسی یا کرم دارد.
۴. به کاغذ بالکی کاغذ سبز هم می‌گویند زیرا آسیمی به محیط زیست وارد نخواهد کرد. این کاغذ ها را می‌توان به راحتی بازیافت کرد.

مقدمه

این کتاب از یک تضاد الهام گرفته شد. به طور خاص، از دعوای بی پایان بین من و مادرم. وقتی کوچک بودم، من و مادرم خیلی باهم بحث می کردیم. با اینکه می خواستم به خواسته های او احترام بگذارم ولی همیشه برنامه های خودم را در سر کوچکم می پروراندم. خواسته های او و برنامه های من به ندرت نزدیک هم بودند.

مادرم به من می گفت بند کفش هایم را ببندم من هم فکر می کردم که اگر کفش هایم را گره بزنم، در آوردن شان سخت تر می شود. او از من می خواست اتاقم را تمیز کنم، من اصرار داشتم که اتاق در حالت بی نظمی بهتر به نظر می رسد. مادرم از من می خواست چمن ها را کوتاه کنم و من با یک لیست جامع از تمام دلایلی که چمن بلند و کوتاه نشده خیلی بهتر است، پاسخش را می دادم. ما در یک تضاد خنده دار بودیم. او همواره قانونی را مطرح می کرد و من یک راه فرار پیدا می کردم و از آن طفره می رفتم. اما وقتی همه راه های فرار بسته و عدالت نزدیک می شد، تاکتیک را تغییر می دادم. به جای بحث، نزدیک ترین در باز را پیدا می کردم و می دویدم. مادر بزرگم به دلیلی مرا «غزال تیزپا» صدا می کرد.

تصویری که در صفحه مقابل می بینید یک غزال تیزپا است. شاید این تنها تصویری باشد که از یک غزال تیزپای ثابت می بینید.



چیزی بسیار جذاب در دنیای بیرون از خانه‌ام بود، دنیای آسایش و وحشی که فقط چند قدم از در جلویی ما شروع می‌شد. تمام عمرم به سمت آن دویده‌ام و از آنچه پیدا می‌کردم ترسان و هیجان‌زده بودم. فهمیدم که تمام عمرم در حال دویدن در یک دایره بودم. از اولین قدم مشتاقانه‌ام از آستانه در و به خیابان، سفری داشتم که دوباره مرا به خانه بازمی‌گرداند. اما این بار متفاوت بود، شاید عاقلانه‌تر، اما خوشحال بودم که دوباره با عزیزترین افرادم زیر یک سقف هستم. یاد گرفتم تضاد و اختلاف نظر، بخش‌های ضروری زندگی هستند، اما آنچه مهم است این نیست که آیا اختلاف نظر داریم یا نه بلکه این مهم است که چگونه با آن اختلاف نظر برخورد می‌کنیم. تضادها مرا به مناظره و بعد کشف درون و سپس به عشق هدایت کردند.

اما بیش از یک راه برای کشف دنیا وجود دارد.

این کتاب در لحظات آرام دوران کودکی‌ام شکل گرفت، زمانی که بدنم بی‌حرکت بود اما ذهن و تخیلم در جنب و جوش زیبایی بودند.

هر بار که کسی از من در مورد خاطرات محبوب دوران کودکی‌م می‌پرسد، باید مدت‌ها به آن فکر کنم تا بتوانم خاطرات واقعی‌ام را از خاطرات خیالی‌ام جدا کنم. چرا که دهه‌ها پیش از آنکه به عنوان بزرگسال برای اولین بار سوار هواپیما یا کشتی شوم، در ذهنم جهان را گشته بودم. به بلندترین کوه‌های هیمالیا صعود کرده و به عمیق‌ترین دریاها شیرجه زده بودم. بر پشت پرندۀ‌های غول‌آسا به جنگ رفته و از دست غول‌هایی که به خاطر دزدیدن نان‌شان می‌خواستند انتقام بگیرند، فرار کرده بودم.

تخیل همیشه یکی از بزرگ‌ترین لذت‌های من بوده است. این تنها توانایی است که همه ما، بدون آنکه مهم باشد کجا به دنیا آمده‌ایم یا که هستیم، می‌توانیم از آن بهره‌مند شویم. تخیل به ما امکان می‌دهد که دنیاهایی را که هرگز ندیده‌ایم کاوش کنیم و به عنوان افرادی که هرگز نبوده‌ایم زندگی کنیم.

به باور من تخیل برای حل تضاد بسیار حیاتی است. وقتی با چالش‌های به ظاهر حل‌نشده روبرو می‌شویم، توانایی ما در تجسم امکاناتی فراتر از آنچه وجود دارد، راه را برای حل چالش‌ها هموار می‌کند. تخیل به ما اجازه می‌دهد از دایره‌ی امن خود خارج شویم و دیدگاه‌های جدید را کاوش کنیم، تا دستاوردهایی را که قبلاً ناپیدا بودند، تجسم کنیم. در بحث‌های داغ یا تنش‌های خاموش، ذهن خلاق می‌تواند واقعیتی را تجسم کند که در آن هر دو طرف زمینه‌ی مشترک پیدا می‌کنند، منظره‌ای از درک و هماهنگی که هرگز وجود نداشته است. با رویاپردازی از آنچه که می‌تواند باشد، به جای پذیرفتن آنچه که هست، ما پتانسیل واقعی و پایدار را برای پل زدن بر روی اختلافات و ایجاد مسیرهای جدیدی که قبلاً امکان‌پذیر نبودند، باز می‌کنیم. کتاب‌ها در اینجا وارد می‌شوند. اگر تخیل مانند موشک باشد، کتاب سوخت آن است. کتاب‌ها ذهن را تقویت می‌کنند و به آن کمک می‌کنند فراتر از آنچه که می‌تواند خود به تنهایی تصور کند، ببیند.

پیش از اینکه خودم بتوانم کتاب بخوانم، مادرم برایم می‌خواند. سپس، وقتی خواندن را آموختم، برای او می‌خواندم. با هم داستان‌های خنده‌دار و گاهی جدی را تعریف می‌کردیم. ما درباره شخصیت‌هایی که با آن‌ها مواجه شده بودیم و جهان‌های شگفت‌انگیزی که کاوش کرده بودیم، صحبت می‌کردیم. در دوران کودکی‌ام که من و مادرم خیلی تفاوت داشتیم، این کتاب‌ها مکانی بودند که ما می‌توانستیم با هم بدون قضاوت همدیگر را ملاقات کنیم، دو کاوشگر که داستان‌های‌شان را به اشتراک می‌گذاشتند.

این کتاب درباره آن کشور ناشناخته‌ای است که درست فراتر از سایه خانه ما قرار دارد و درس‌هایی که در آن منظره‌ی غیرقابل پیش‌بینی یاد می‌گیریم. این کتاب درباره اختلافات و تفاوت‌ها است، اما همچنین درباره چگونگی پل زدن بر روی این شکاف‌ها و یافتن آنچه که بیشترین اهمیت را دارد، فرقی هم ندارد که پدر و مادر باشیم، کودک، همسایه، الف یا فعال سیاسی. این یک کتاب تصویری است، اما یک کتاب کودکانه نیست. بلکه، کتابی است که کودکان برای والدینشان و والدین برای کودکان‌شان می‌خوانند. جهانی برای هر دو به منظور کاوش با تخیلات‌شان. اگر شما هم پدر، مادر یا کودک هستید، یا شاید هم هیچ‌کدام، همچنان می‌توانید آن را برای خودتان بخوانید یا برای یک غریبه، کسی که دوستش دارید یا برای یک حلزون در حال عبور بخوانید و همگی باهم به سوی علفزار برویم.

- ترور نوآ